

**Study on the social-cultural components in the spatial configuration of
Islamic tombs in Morocco (2nd century AH/8 AD to 14th AH/16 AD)**

*Sindokht Rezaei*¹ | *Hossein Soltanzadeh*^r
Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23

(DOI): [10.22034/MTE.2021.9212.1368](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.9212.1368)

Abstract

Original Article

P. 31 - 67

Tombs are social-cultural and blessed buildings in the Islamic era, which, after mosques, have special importance as an integral part of religious architecture. Due to the importance of identifying different regional traditions regarding the burial architecture of the Islamic world over many centuries, there have not been many focused studies on the shrine buildings of the western historical land of the Islamic world. The purpose of this article is to study the role of socio-cultural components in the spatial configuration of five examples of Islamic pilgrimage sites in the geographical area of northwest Africa, Maghreb al-Aqsa (Morocco) from the 8th to the 18th century. In the first step, with the descriptive-historical research method and the use of documentary and library studies, the data extracted from the case examples have been collected, the introduced buildings are compared with the three components of spatial hierarchy, spatial order and spatial accessibility. Then, in the second step, with the descriptive-analytical method and using the spatial syntax method, the unique functional-spatial features, dimensions and architectural qualities governing the Islamic tombs of this region from the point of view of how they relate to the surrounding environment are discussed. The results of the research show that the physical-formal structure of the tomb buildings of Morocco in the Islamic period follows a single primary model, but the difference between these buildings is in the spatial organization of the inner courtyard and the spatial configuration of the tombs. Zawiya Mola Idris II in Fez has the best spatial configuration with the highest spatial correlation coefficient due to the high spatial order and accessibility that can be seen in the plan.

Keywords: Islamic tomb, Morocco, spatial configuration.

1 - Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. sindokht_rl@yahoo.com

2 - Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir



بررسی مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی در پیکره‌بندی فضایی آرامگاه‌های اسلامی مراکش (قرن دوم ق.ه/ ۸ میلادی تا چهارده ق.ه/ ۱۶ میلادی)

سیندخت رضایی^۱ (نویسنده مسنول) | حسین سلطان‌زاده^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2021.9212.1368](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.9212.1368)

علمی - پژوهشی

ص: ۶۷/۳۱

چکیده

آرامگاه‌ها، بناهای فرهنگی-اجتماعی و متبرکه در دوران اسلامی‌اند که بعد از مساجد، به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر معماری آیینی اهمیت ویژه‌ای دارند. با توجه به اهمیت شناسایی سنت‌های منطقه‌ای مختلف، در مورد معماری تدفینی جهان اسلام در طی قرون متمادی، مطالعات چندان متمرکزی بر بناهای زیارتگاهی غرب سرزمین تاریخی جهان اسلام صورت نگرفته است. هدف نوشتار حاضر مطالعه نقش مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی فضایی پنج نمونه از زیارتگاه‌های اسلامی، در حوزه جغرافیایی شمال غربی آفریقا، مغرب الاقصی (مراکش) از قرن هشتم تا قرن هجدهم میلادی است. در گام اول با روش تحقیق توصیفی-تاریخی و بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، داده‌های مستخرج از نمونه‌های موردی، جمع‌آوری شده است. بناهای معرفی شده با سه مؤلفه سلسله‌مراتب فضایی، انتظام فضایی و دسترسی‌پذیری فضایی بررسی تطبیقی می‌شود. در گام دوم با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از روش نحو فضا، ویژگی‌های منحصر به فرد کارکردی-فضایی، ابعاد و کیفیات معماری حاکم بر آرامگاه‌های اسلامی این منطقه، از نقطه نظر چگونگی ارتباط با محیط پیرامون، مورد بحث قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساختار کالبدی-فرمی بناهای آرامگاهی مراکش در دوره اسلامی، از الگوی اولیه واحدی تبعیت می‌کند اما وجه تمایز این بناها با یکدیگر در سازمان فضایی حیاط درونی و پیکره‌بندی فضایی آرامگاه‌هاست. زاویه مولای ادريس دوم در شهر فاس به دلیل انتظام فضایی بالا و دسترس‌پذیری -که در پلان قابل مشاهده است- با بالاترین ضریب هم‌پیوندی فضا، بهترین پیکره‌بندی فضایی را داراست.

کلیدواژه: آرامگاه اسلامی، مراکش، پیکره‌بندی فضایی.

^۱ - گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران sindokht_rl@yahoo.com

^۲ - گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۲/۲۲



مقدمه

در یک طبقه‌بندی کلی، انواع فضاهای معماری از جهت عوامل موثر در پیدایش آن، به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱- فضاهای معماری متأثر از پدیده‌های محیطی-کارکردی ۲- فضاهای معماری متأثر از پدیده‌های فرهنگی. از آنجایی که معماری آرامگاهی بیش‌تر تحت تأثیر پدیده‌های فرهنگی شکل می‌گیرد (سلطانزاده، ۱۳۸۸: ۴۲) در تعاملی معنادار با فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه قرار دارد. اسلام به‌عنوان آخرین دین از ادیان ابراهیمی جهان (یهودیت، مسیحیت و اسلام) در وهله اول توسط قرآن کریم، جامعه را به هم پیوند می‌دهد. طبق گفته‌های کلونین شیلینگتون (۱۹۹۵) از آنجایی که اسلام صرفاً به یک مذهب تبدیل نشده و گونه‌ای از هژمونی^۱ سیاسی در ارتباط با انواع فرهنگ‌های مرتبط است، منجر به پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع همگام با دین و رسوم اسلامی می‌شود (Merga, Seyoum, 2012) و از طریق معماری که روشی مادی است، الگوی ایدئولوژیک خود را در منطقه پرورش داده است. یکی از مؤلفه‌های مهم بقا و تکثیر عمل و هویت اسلامی، توسعه فضاهای اختصاصی معنی‌دار است (Kahera, 2010:6). آرامگاه‌های بی‌شمار در سرزمین‌های اسلامی که خیر از دفن شخصیت‌های مذهبی-دینی، سیاسی یا عرفانی می‌دهد (پوپ، ۱۳۸۷: ۹۱۶) پناهگاهی به‌منظور اعمال آیینی مسلمانان است؛ این فضاهای معنی‌دار در فرهنگ اسلامی، بر اساس تعاریف Braukamper.U (2002)، پناهگاه‌های ساخته‌شده‌ای است که به یک قدیس مسلمان اختصاص یافته. از آنجایی که احترام مقدسین و بازدید از زیارتگاه، پدیده‌ای رایج در جهان اسلام است (ایشیهارا ۲۰۰۹) معماری تدفینی یا آرامگاهی، جزء جدایی‌ناپذیر معماری آیینی شده است و بعد از مسجد دارای اهمیت ویژه‌ای است، این الگوی معماری، متناسب با نوع اندیشه و اعتقاد موجود در آن جامعه، شکل می‌گیرد و یکی از متنوع‌ترین فضاهای آیینی معماری به‌شمار می‌آید (سلطانزاده، ۱۳۹۸: ۱۰۰). این تنوع تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، اقلیم، فرهنگ، آموزه‌ها و احکام دینی است که به‌نوبه خود در سبک‌ها و ویژگی‌های معماری آرامگاهی تأثیری مستقیم دارد و منجر به نوعی غنا در معماری جهان اسلام، به‌عنوان کلیت واحد پیچیده‌ای گردیده است (Soltanzadeh, 2015:22).

^۱ hegémonie: فرانسوی، مفهومی است برای توصیف و توضیح نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر.

به نقل از پوپ، هنر و به تبعیت آن معماری، ابزاری معتبر برای روشنگری در مورد بسیاری از مسائل تاریخ فرهنگ بشری تبدیل شده است (رضایی و دیگران، ۲۱: ۱۳۹۹). چراکه معماری به عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشأت می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد و آینه‌ای از اندیشه انسان در رابطه با فضا، زیبایی‌شناسی و فرهنگ است؛ پس می‌توان معماری را مدلی از تاریخ و گذشته هر قوم دانست که نمایان‌گر وجوه فرهنگی، اقلیم و ساخت اجتماعی یک قوم با نژاد خاص است. (نوروزی قره قشلاق، ۳۰: ۱۳۹۴) معماری هر بومی، از فرهنگ آن نقش می‌پذیرد و هر بنا به عنوان جزئی از فرهنگ این معماری، وظیفه عینیت بخشیدن به یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود بر عهده دارد؛ به این ترتیب نمودی برای سنجش فرهنگ خواهد بود (ذوالفقار زاده و حصاری ۱۳۹: ۳۳). فرهنگ نیز با تأثیرگذاری بر هنجارها و ارزش‌ها، در قالب فعالیت‌ها و رفتارهایی بازنمایی می‌شود که لازم است در تطابق با ظرف مکانی و اجزا و ریز فضاهای آن باشد (ورمقانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۹). نمودار (۱) نمایان‌گر رابطه فرهنگ و نمود آن در فضای معماری است که به صورت ویژگی‌های کالبدی و سلسله مراتب فضایی در تطابق سلسله مراتب فضایی در یک بنا تحت تأثیر الگوهای رفتاری کاربر (جنبه‌های معلوم و نامعلوم) عینیت می‌یابد.



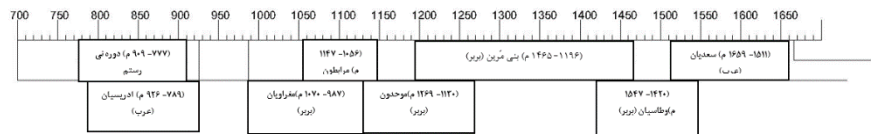
نمودار ۱- تأثیر مؤلفه فرهنگی بر فضاهای معماری

معماری آرامگاهی مستقیم‌ترین مظهر جسمی جدول زمانی مهاجرت و تغییر و تحولاتی محسوب می‌شود که فرهنگ اسلامی در طول وضعیت سکونت خود تجربه کرده است. به دلیل سازگاری سیالی که فرهنگ اسلامی، مشخصاً در غرب آفریقا داشته، فضاهای اسلامی اشکال مختلفی به خود گرفته است (Apotsos, 2016:12). معماری مقابر سده‌های میانی سرزمین تاریخی اسلام، از مغرب الاقصی^۱ (مراکش) تا جنوب شرقی آسیا، در حدفاصل عرض‌های

^۱ -مغرب بزرگ، کشورهای مراکش، الجزایر، تونس و حتی گاه اندلس یا اسپانیای اسلامی را شامل می‌شده است؛ به عبارت دیگر، این بخش از آفریقا را به مغرب اقصی، اوسط و ادنی تقسیم می‌کردند. مغرب الاقصی همان مراکش امروز است که تمرکز جغرافیای نمونه‌های مورد تحلیل در پژوهش حاضر بر همین ناحیه قرار دارد.

جغرافیایی ۲۰ و ۴۰ درجه شمالی، واقع شده است. با وجود تمام گرایش‌های بصری، سبکی، هنری و تاریخی موجود و سرشت محافظه‌کارانه نوع سازه آرامگاه در اغلب نقاط این سرزمین و با توجه به پراکندگی زمانی و مکانی وسیع آن، این موضوع به سوژه‌ای بی‌رونق جهت تحلیل گونه‌شناختی درآمده است. از طرفی ارتباط دین و مذهب با معماری و هنر، این بناهای زیارتگاهی را در زمره چشم‌گیرترین نمونه‌ها و آثار هنر و معماری جهان اسلام قرار داده است (هیلم براند، ۲۶۸: ۲۰۰۰). حوزه جغرافیایی و سیاسی تحقیق حاضر، مغرب الاقصی، مراکش^۱ در شمال غربی آفریقا است؛ کشوری با دین رسمی اسلام و ساحلی طولانی با اقیانوس اطلس که از شمال به جبل الطارق و دریای مدیترانه می‌رسد. کشور مراکش از سوی خاور با کشور الجزایر، غرب با اقیانوس اطلس، جنوب با کشور موریتانی و شمال با دریای مدیترانه همسایه است. این سرزمین آداب و رسوم اسلام را در حوزه دینی و فرهنگی از سلسله اداریس از اواخر قرن دوم هجری (۱۷۰ ه. ق / ۷۸۷ میلادی) به ارث برده و سلطنت مشروع خود را از اصل جانشینی معرفی شده، توسط ادیسی‌ها به دست می‌آورد (آدمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۹ به نقل از عباس نصراله، ۱۹۸۷: ۷۶-۷۷). با زوال اسپانیای اسلامی در سده سیزدهم میلادی و ظهور عثمانی‌ها، جدایی مغرب از جهان اسلام سرعت یافته بود، اما به واسطه مرزهای کوهستانی‌اش از سلطه ترکان عثمانی در امان ماند (میشل، جرج، ۱۳۹۱: ۲۱۵). مراکش از جمله کشورهای عربی است که توانست بر فرهنگ منطقه‌ای خود تأکید ورزد. از همین رو توانست بستر معماری تدفینی اسلامی را فراهم آورد که در چهار شهر تاریخی فاس (دارای نوعی مرکزیت مذهبی - فرهنگی)، مکناس، رباط (پایتخت اداری-سیاسی) و مراکش (دژ فرهنگ بربر) پراکنده شده؛ بستری که دارای هویت تاریخی و دینی متأثر از محیط و اسپانیای اسلامی با ویژگی‌های منحصر به فرد است.

^۱ - این کشور در ایران به نام «مراکش» شناخته می‌شود. در سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد بر حسب مورد زبانی، نام Maroc یا Morocco است. مراکش نزدیک‌ترین کشور آفریقایی به اروپا است که به وسیله تنگه جبل الطارق از آن جدا می‌گردد و در واقع فاصله میان مراکش و اسپانیا حدود ۱۵ کیلومتر است (دانشنامه اسلامی، ۲۹، مه ۲۰۱۹ ویرایش شده است).



نمودار ۲- دودمان‌های فرمانروایی بعد از ورود اسلام

با توجه به لزوم شناسایی سنت‌های منطقه‌ای مختلف در معماری تدفینی جهان اسلام، در طی قرون متمادی، مطالعات چندان متمرکزی در ایران بر بناهای زیارتگاهی غرب آفریقا صورت نگرفته است. از این رو، تحقیق حاضر برای شناسایی عناصر کلیدی مکانی و معماری صورت گرفته که از عملکرد هویت اسلامی در غرب آفریقا پشتیبانی می‌کند. لذا پنج نمونه از زیارتگاه‌ها در حوزه جغرافیایی شمال غربی آفریقا، مغرب الاقصی (مراکش) را معرفی می‌کند که از لحاظ موقعیت صاحبان آن و نحوه ارتباط با بافت شهری، دارای ارزش مذهبی و تاریخی بوده و عموماً مربوط به عرفا و از نوع مجموعه‌هایی است که به صورت ترکیبی با بناهای دیگر است. این بناها شامل خانقاه، دارالسیاده، مسجد و برخی دیگر از انواع فضاهای آیینی است. این مقابر عبارتند از آرامگاه ادريس دوم، مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه) و همسرش، زاویه بل عباس از مجموعه آرامگاه‌های هفت مقدس، آرامگاه سعدیان و مولای اسماعیل در چهار شهر تاریخی رباط^۱، فاس^۲، مراکش^۳ و مکناس^۴.

هدف تحقیق حاضر، ارزیابی رابطه دوطرفه فضا و الگوهای فرهنگی-اجتماعی در آرامگاه‌های اسلامی مراکش (مغرب الاقصی) است. در مطالعات معماری و شهرسازی این نحوه نگرش به فضا، که حالت کیفی شناخت روابط اجتماعی در داخل فضا را به صورت کمی امکان‌پذیر می‌سازد، پیکره‌بندی فضایی می‌نامند. پیکره‌بندی فضا^۵ مجموعه‌ای از روابط، بین فضاهایی است که در یک موقعیت ویژه در زمان وجود دارند. ارتباط بین فعالیت و فضا بیش از آن که در مورد خصوصیات فضا به صورت انفرادی قابل تعریف باشد، در ارتباط موجود

¹ -Rabat

² -Fez

³ -Marrakesh

⁴ -Meknes

⁵ - Configuration of Space

رضایی و سلطان زاده: بررسی مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۳۷

بین فضاها یا همان پیکره‌بندی فضایی و ارتباط مخاطبین و تعاملات اجتماعی قابل درک است. (Hillier, 2007:1)

این تحقیق دو پرسش دارد؛ معماری آرامگاه‌های شمال غربی آفریقا (مراکش) بعد از ورود اسلام دارای چه ویژگی‌هایی است؟ نقش مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی، در پیکره‌بندی فضایی این بناها با محیط جغرافیایی چگونه است؟ درگام اول به صورت کیفی با روش تحقیق توصیفی-تاریخی، با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده‌های مستخرج از نمونه‌های موردی پرداخته است. پس از مستندسازی نمونه‌های گردآوری شده، ویژگی کارکردی-فضایی آرامگاه‌های اسلامی مراکش؛ با سه مؤلفه‌ی سلسله‌مراتب فضایی، انتظام فضایی و دسترس‌پذیری فضایی، به صورت تطبیقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بخش عمده‌ای از داده‌های پژوهش، کیفی است که بازتاب آن در پدیده‌های معماری مانند عناصر و تزیینات و چگونگی چیدمان عناصر، چه در فضای بیرونی و چه در فضای داخلی قابل مشاهده است. درگام بعدی، به منظور کشف میزان ارتباط دوسویه فضا و الگوهای اجتماعی-فرهنگی که تحت تأثیر فرهنگ بومی و مؤلفه‌های اجتماعی منطقه متمایز گشته، از روش نحو فضا^۱، بهره گرفته می‌شود. روشی تقریباً نو که پدیدآورندگان آن، به آثار هنری عموماً، و بناهای معماری به طور خاص، دیدی اجتماعی دارند (معماریان، ۱۳۸۱:۷۵) و الگوهای نهان موجود در یک محیط کالبدی کشف و سازمان و انتظام فضایی در آن محیط مطالعه و بحث می‌شود. (Hillier, 1985) ابزار پیش‌بینی کننده جنبه‌های اجتماعی فضاست (صفری و دیگران، ۲۰۲۰:۲۵۶). در واقع نحو در فضا، به معنی کشف ارتباط هر واحد فضایی در یک مجموعه از فضاها هم‌جوار است. به نقل از دارسون (۲۰۰۳) این روش تلاشی است که پیکره‌بندی فضایی و چگونگی معنای اجتماعی و فرهنگی را بیان می‌کند و چیدمانی است که می‌تواند مبین رسوم و باورهای مختلفی باشد. نیز یکی از روش‌هایی است که بر بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در چیدمان اجزای بنا، متمرکز است. (معماریان، ۱۳۸۱:۷۷) این روش تحلیل داده‌های مربوط به معماری و تحولات آن مبنا قرار می‌دهد و با تحلیل ساختار فیزیکی فضا و بر اساس موقعیت قرارگیری ریز فضاها در پیکره‌بندی کلی بنا و نیز نوع روابط بین آن، به تحلیل عملکرد بنا می‌پردازد. (Penn&Turner, 2002:103) محقق با استفاده از روش

¹-Space syntax

نحو فضا، با بهره‌گیری نرم‌افزار Depthmap از طریق بررسی کالبدی، چگونگی ساختار زیستی ساکنین فضا را بدون حضور در آن با کمک فاکتورهای موجود در فضای بنا یعنی ارتباط Connectivity، هم‌پیوندی Integration، کنترل Control، انتخاب Choice و عمق Depth تحلیل می‌کند؛ چراکه با بررسی نسبت آن موارد با یکدیگر می‌توان به تصویر نسبی از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر در ایجاد بنا پی برد و تحولات آن را بررسی کرد (Haciomeroglu, 2007: 155).

متغیر هم‌پیوندی، اصلی‌ترین متغیر نحو فضا است؛ هر چه میزان هم‌پیوندی فضا بزرگ‌تر و به عدد یک نزدیک‌تر باشد، با فضاهای دیگر دارای یکپارچگی بیش‌تری است و مقدار عددی اتصال، مبین تعداد دسترسی‌های منتهی به فضا خواهد بود. (صفری و دیگران، ۲۵۶: ۲۰۲۰) هم‌پیوندی به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره‌بندی است. مفهوم هم‌پیوندی به نوعی با مفهوم عمق ارتباط معکوس دارد. به این ترتیب برای حرکت از هر فضا با مقدار هم‌پیوندی بالا به تمام فضاهای دیگر در سیستم، تغییرات کمتری در جهت‌گیری فرد شکل می‌گیرد. این مفهوم با شاخص اتصال نیز دارای رابطه مستقیم و خطی است؛ به این معنی که هر چه تعداد ارتباط با یک فضا از جانب فضاهای مجاورش بیش‌تر باشد، آن فضا از هم‌پیوندی بیش‌تری برخوردار است. از تحلیل دو شاخص اتصال و هم‌پیوندی، مقدار خوانایی بنا مورد سنجش قرار می‌گیرد که این موضوع نشان دهنده میزان پیچیدگی و یا سهولت روابط فضایی است (حیدری و دیگران ۲۴: ۱۳۹۶ به نقل از Penn, ۲۰۰۳: ۴۵; Peponis & et al, ۱۹۹۰: ۷۶۵). در قسمت تحلیل یافته‌ها، با بررسی و آزمون هم‌پیوندی در نمونه‌های موردی، بنیان اجتماعی و فرهنگی در چیدمان اجزا سنجیده می‌شود.

پیشینه تحقیق

در منابع معماری اسلامی، معماری جهان اسلام به روش‌هایی متفاوت و تحت تأثیر یک نگاه کلی معرفی شده است، نوشتار جان هوگ^۱ در سال (۱۹۹۷)، در کتاب سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، مبتنی بر بررسی منطقه‌ای و تاریخی است. رابرت هیلن

^۱ -John Hoag

براند^۱ در سال (۱۹۹۴)، در کتاب معماری اسلامی، در حدود تاریخی قرون وسطی اسلامی (۷۰۰-۱۷۰۰ میلادی) تحقیقی مبتنی بر تک عنصر عملکردی با دیدی تاریخی ارائه داده است و در بخش آرامگاه‌ها، این بناهای آیینی را در دو گروه مقبره‌های برجی و مربع‌های گنبدپوش طبقه‌بندی می‌کند. پروفیسور هیلن براند، بافت چند بنیادی آرامگاه‌ها را تحت تأثیر دو عامل اصلی می‌داند: ۱- عکس‌العملی در مقابل نهی آزاردهنده ساخت مقبره از سوی دین اسلام ۲- تلاش برای گرامی داشتن وظایف مذهبی آن‌هم در عین نادیده گرفتن آن. (رحمتی زاده و دیگران، ۱۳۹۸:۶۵). هیلن براند ادعان دارد که برای مقابله با نهی اسلامی ساخت مقبره، آرامگاه را بخشی از یک مجتمع عمومی معرفی کردند که با این کار آرامگاه به شکل مؤثری رنگ تقدس به خود گرفت؛ این تقدس نشأت گرفته از بناهای فرعی مجاور آن مانند مسجد، مدرسه، رباط و غیره بوده است (هیلن براند، ۲۵۶: ۱۳۹۰).

[ارنست گروبه و سایر \(۱۹۹۵\)](#) در کتاب [معماری جهان اسلام \(تاریخ و مفهوم اجتماعی آن\)](#) در مقالاتی ضمن ارائه پروفایل‌هایی با نقشه، عکس، جزئیات و توضیحات ساختمان‌های قابل توجه از معماری اسلامی، به بررسی چگونگی بازتاب ساختارهای مختلف فرهنگ می‌پردازد. جانتان بولوم ۲ و شیلا بلر ۳ (۱۹۹۶)، در کتاب هنر و معماری اسلامی (۲) بر اساس تقسیمات زمانی و منطقه‌ای، بیش از دویست اثر معماری را شرح می‌دهند و به تداوم فرم‌های ایرانی در بیشتر آثار هنری جهان اسلام تأکید دارند. سلطانزاده (۱۳۸۸) در مقاله چگونگی شکل‌گیری و معماری آرامگاه‌ها (مزارها)، با بررسی خاستگاه کالبدی انواع آرامگاه‌ها در جهان اسلام -به‌خصوص ایران- این بناها را از لحاظ کالبدی به هفت دسته مشخص تقسیم کرده است.

در مطالعات حوزه غرب جهان اسلام، بررسی ویژگی‌های معماری آرامگاه‌های مراکش در دوره اسلامی و نحوه ارتباط با بوم و فرهنگ، در مطالعات باستان‌شناسی مشاهده شده

¹ - Robert Hillenbrand

² - [Jonathan M. Bloom](#)

³ - [Sheila S. Blair](#)

است. محققین خاویر سالمون^۱ (۲۰۱۶)، عبدالعزیز توری^۲ (۲۰۱۴)، محمد متالسی^۳ (۲۰۰۱)، طی مکتوباتی بناها و شهرهای شمال غربی آفریقا، مراکش را معرفی کرده و به تاریخ فرهنگی آن اشاره داشته‌اند. سعید اناهد^۴ (۲۰۱۴) در مقاله عناصر معماری در تزئینات اسلامی به مفهوم‌سازی و تجزیه و تحلیل تزئینات سنتی اسلامی با تمرکز بر اصول ایدئولوژی اسلامی توجه دارد و در مقاله (۲۰۱۴) عملکرد حرم‌های مسلمان در اماکن باستان‌شناسی در شمال غربی مراکش، چگونگی ارتباط لایه تجربی فعال یعنی زیارتگاه‌ها را از لحاظ مکانی و معماری و بقایای باستان‌شناسی در شش شهر باستانی در شمال غربی مراکش بررسی می‌کند. شهر شلاً^۵ یک سایت از دوره مرینیدها با چند مقبره، در نقشه‌ای جانمایی شده و هاجر النصیر^۶، یک سایت کاملاً اولیه قرون وسطایی دوره ادریسی‌ها و مقبره مزوار پسر ادریس اول، از جمله کالبدهایی آرامگاهی است که معرفی شده است. الیزابت فنترس^۸ (۲۰۱۸) در مقاله ادریس اول و قوم بربر، بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی، بازتابی از شهرک ادریسید در شهر قرون وسطایی والیلی^۹ اشاره دارد و نقشه‌های ترسیمی ارائه می‌دهد. انیجو الملا^{۱۰} (۲۰۱۹) در مقاله معماری مذهبی به عنوان ابزاری برای نوسازی شهری؛ دو مجتمع مذهبی از دوره سعدیان در مراکش، ضمن بررسی نقش مجموعه تدفینی سعدیان در توسعه شهری و معماری مراکش، ویژگی‌های معماری و نقشه‌های آن را تحلیل می‌کند. مایکل بونین^{۱۱} (۲۰۱۴) در مقاله جهت‌یابی مقدس و ساختار شهر، پس از تحلیل اولیه از اسناد اسلامی مراکش و تجزیه و تحلیل از شهرها، اطلاعاتی را در خصوص ارزیابی رابطه بین

¹ - [Xavier Salmon](#)

² - [Abdelaziz Touri](#)

³ - [Mohamed Métalsi](#)

⁴ - Said Ennahid

⁵ - Chella

⁶ - Marini

⁷ - Hajaral-Nasris

⁸ - Elizabeth Fentress

⁹ - Volubilis

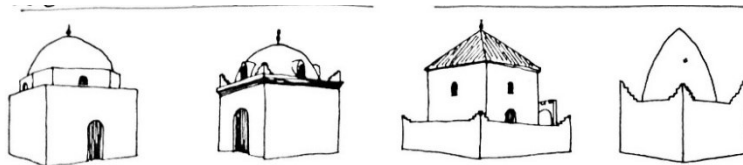
¹⁰ - Inigo Almela

¹¹ - [MICHAEL E. BONINE](#)

جهت قبله و محور شهر، خیابان‌ها و ریخت‌شناسی آن فراهم کرده است.

بررسی معماری تدفینی آرامگاه‌های سده میانی مغرب و اندلس

در مراکش به دلیل نگاه سخت‌گیرانه به هنرهای بصری برای مقاصد مذهبی، قبل از مقابر دوره سعدیان، آرامگاه قابل‌ذکری مشاهده نشده است؛ این بدان معنی نیست که هیچ مقبره‌ای بر پا نشده؛ بلکه اغلب بناها آرامگاهی کوچک‌اند که بدون حمایت مقامات حکومتی در کنار صخره‌ها یا درختان مقدس به‌عنوان قبور مرابطین^۱ بنا شده‌اند. این مقابر منفرد ساده، پلان مربعی شکل دارند با آسمانه‌های برافراشته گنبدی یا شیب‌دار که گوشه‌سازی فیل‌پوش شده است و در یک حیاط خصوصی بزرگ‌تر محصور شده‌اند. این بناها توسط یک دیوار محیطی اضافی که امتداد یکی از اضلاع مربعی مقبره است، احاطه شده. این مقابر از طریق یک ورودی قوسی در دیواره پیرامونی، به‌طور مستقیم به ساختار گنبدی در امتداد محور مرکزی منتهی می‌شود. تزئینات حداقلی بیرونی با نماهای گچ‌بری شده، به‌واسطه کتیبه‌های بالایی مزین گشته و این الگوی ساختمانی خشن و ساده، مانع از بقایشان شده است (تصویر ۱). مکان مقبره معمولاً در قبرستانی است که چند آرامگاه در کنار هم جمع شده است؛ مانند مرابط سید مجلوف در رباط، مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه)، همسرش در شلاً^۲ یا مانند مقابر مشهور به مرینیدها در تپه‌ای که بر شهر فاس مشرف است. (هیلن براند، ۲۰۰۶: ۱۳۹۰) البته نمونه‌هایی در زاویه‌های بزرگ نظیر آرامگاه مولای ادریس نیز مشاهده می‌شود که به‌صورت آرامگاهی در جوار مجموعه بناهایی چون مدرسه و حمام و سایر فضاهای خیریه شهری است.



تصویر ۱- مقابر منفرد مرینیدی در فاس (تصویر ۵/۵ ص ۲۷۱: مرابط‌های مغربی طرح‌های اجمالی سه‌بعدی)

^۱ -Marabouts

^۲ - Chella

توپوگرافی محلی شهرهای مراکش و شیب، در مسیر قبله جهت‌گیری می‌شود. از این رو جهت‌گیری معماری مذهبی با الگوی خیابان و مسیر مجاور، مطابقت دارد. در جایی که الگوی خیابان و محور یک ساختمان مذهبی متفاوت است، قبله جهت‌گیری ساختمان و شیب الگوی خیابان را تعیین می‌کند.

بامطالعه در متون کتابخانه‌ای، آغاز تشکیل حکومت اسلامی در شمال آفریقا را به دوره ادریسیان در شهر فاس (۷۸۹-۹۲۶ میلادی) نسبت داده‌اند که با بررسی بقایای باستان‌شناسی این دوره تاریخی، قلعه باستانی هاجر النصر^۱ واقع در شمال مراکش در قرن دهم میلادی که توسط سلسله ادریسیان ساخته شده و بقایای شهر رومی والیلی^۲ که محل زندگی ادريس اول، بنیان‌گذار و رهبر نخستین سلسله اسلامی ادریسیان (سال حکومت ۷۸۸ تا ۷۹۱ میلادی) در مراکش است، می‌توان الگوهای اولیه‌ای از تکوین فضاهای آرامگاهی ارائه کرد. در جدول (۱)، مستنداتی از مقبره سید مزوار^۳ پسر ارشد علی بن ادريس، در قلعه هاجر النصر و نقشه‌های ترسیم‌شده از محل سکونت ادريس اول ارائه شده که می‌توان این دو پلان را جزو کهن‌ترین الگوهای فضایی معماری اسلامی در مراکش دانست.

^۱ - Hajar an-Nasar

^۲ - Volubilis

^۳ - Sīdī Mazwār

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۴۳

جدول ۱- نمونه الگوهای فضایی اسلام اولیه (سلسله ادریسی)، مأخذ: نویسندگان بر اساس ادبیات تحقیق

نام بنا	نام شهر	تصویر	پلان
مقبره ادریس اول	والیلی (در جوار شهر نوبنیاد زیارتی زوران، مولای ادریسی)		
<ul style="list-style-type: none"> • مقبره ادریس اول، در جوار شهر والیلی بود، احتمالاً خارج از مجتمع و به‌ویژه در نزدیکی دروازه‌های شهر می باشد. • در مرکز آن منطقه، برج محقری پر از خاک و آوار وجود دارد که امروزه هنوز هم قابل‌رؤیت است که در آن دو جسد پیداشده است، یکی قسمت مرکزی آن و دیگری در کنار آن. • بر اساس اکتشافات باستان‌شناسی، بنایی را در قالب یک‌خانه بزرگ از نوع "عربی" کلاسیک با دو اتاق تو در مرحله پایانی یک مرحله گچ کاری شده دارد. (Triki, ۱۹۸۶: ۶) 			
مقبره مزوار	هاجر النصر		
<ul style="list-style-type: none"> • یک الگو از مقابر مرابوطین با پلان مربعی ۱۰*۱۰، در شمال غربی قلعه که سقف آن بر یک فضای چهارستون و فضای نه‌بخشی با گنبد‌های کوچک دارد و فاقد تزئینات مشخصی می‌باشد. (کرسیر، پیتر؛ ۱۹۹۸: ۳۱۴) 			
مقبره سید مجلوف	رباط		
<ol style="list-style-type: none"> ۱. نقشه این ساختمان یک ساختمان مربع کوچک با سقف گنبدی است با گوشه سازی فیل‌پوش ۲. محصور در درون یک حیاط خصوصی بزرگ‌تر. ۳. ورود به مجتمع از طریق یک ورودی قوسی در دیواره پیرامونی که به‌طور مستقیم منتهی به ساختار گنبدی در امتداد محور مرکزی است. ۴. تزئینات حداقل ساختار بیرونی به‌واسطه کتیبه‌های بالایی مزین شده با گچ‌بری‌های سفید ساده در نمای بیرونی. (هیلن براند، ۲۰۰۰: ۲۷۲-۲۶۷) 			

آرامگاه ادریس دوم^۱:

مقبره ادریس دوم بنیان‌گذار فاس در مرکز شهر، در مسجدی با بلندترین نمونه مناره در کل شهر قدیمی فاس قرار دارد. این بنا زاویه مولای ادریس نیز نامیده می‌شود که به همراه قراوین، معروف‌ترین و پر بازدیدترین بنای تاریخی شهر است. این بنا توسط شبکه‌ای از کوچه‌های منتهی به سوق‌ها، مدرسه‌ها و دروازه‌های ورودی شهر، محاصره می‌گردد. مقبره، مسجدی وسیع و زیبا از مجموعه شهری است (Touri and Lakhdar, 2014)^۲ که در زمان تأسیس شهر به‌منظور برپایی نماز جمعه بنا شده و شامل موارد زیر است:

۱- دارالقطن (خانه چادر)؛ نخستین اقامت‌گاه توسط پدر مولای ادریس است.

۲- مسجد الاشرف (مسجد نوبل)، جایی که مؤسس شهر نماز می‌خواند.

۳- چشمه وضو

علیرغم اختلاف نظر موجود در منابع، در مورد آنچه بر پیکر ادریس دوم (پس از مرگ وی) رفته است، بیش‌تر محققین معتقدند که محل تدفین وی احتمالاً آرامگاهی است واقع در ضلع شرقی مسجدی که غالباً از آن به‌عنوان مسجد شورا (مسجد شریف) یاد می‌شود و در کنار کاخ دارالقطن (خانه چادر) قرار دارد. (Mezzine, 2018)^۲. این بنا تغییرات بسیاری به‌ویژه در دوره مرینیدها، واتاسیدها، سعدیان و علویان را دیده است. چشمه وضو تا قرن هشتم هجری قمری (۱۴ میلادی) طرح اصلی عناصر ساختاری و معماری خود را حفظ کرد. اطلاعات کمی در مورد آرامگاه مولای ادریس دوم قبل از دوران مرینید (سده‌های ۱۴-۱۵ میلادی) وجود دارد. سیر تاریخی آرامگاه و فرهنگ دینی که به‌آرامی در دوره مرینیدها اتفاق افتاد، تا زمان احیای دولت شریفیان به‌وضوح قابل‌ردیابی نیست. (Gaudio, 1982:123-131)^۳. در جدول (۲) به بررسی سیر تحولات ساخت آرامگاه پرداخته‌شده است.

^۱ -متولد ۷۹۱ میلادی که در سال ۸۲۸ درگذشت.

^۲ -Mezzine, Mohamed.

^۳ - Gaudio, Attilio

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۴۵

جدول ۲- سیر زمانی ساخت آرامگاه مولای ادریس دوم، (۲۰۰۷. Britannica)

دوره تاریخی	تحولات تاریخی آرامگاه مولای ادریس دوم در سیر زمانی
ادریسیان (۷۸۹-۹۲۶ میلادی) (عرب)	در قرن ۳ ق / ۹ میلادی: ساختن مسجد قراوین (مکانی برای برپایی نماز جمعه)، کاسته شدن از تأثیر مقبره مولای ادریس دوم.
مربیندها (۱۱۹۶-۱۴۶۵ میلادی) (بربر)	در سال ۷۰۷ ق / ۱۳۰۸ میلادی: احیای مجدد مذهبی و سیاسی شریفیان، بازسازی مقبره به ابتکار مفتی فاس، الحاج المبارک، توسط فرزندان ادریس دوم. در سال ۱۳۰۸ میلادی، سرانجام با سقوط سقف و دیوارهای زاویه، مسجد و مقبره مولای ادریس دوم متروکه شدند.
واتاسیده‌ها (۱۴۲۰-۱۵۴۷ میلادی) (بربر)	در سال ۸۴۰ ق / ۱۴۳۷ میلادی: کشف تابوت سنگ آهنی ادریس دوم توسط واتاسیده‌ها در طی کار مرمت در مسجد. برگزاری مراسم منظمی پیرامون مقبره تا قرن شانزدهم توسط حاکمان واتاسید (جانشینان مربیندها).
سعدیان (۱۵۱۱-۱۶۵۹ میلادی) (عرب)	در سال ۱۵۵۷ میلادی: برپایی سقف جدید بر روی مقبره (توسط سلطان سعدی محمد الشیخ) به‌منظور یادمانی‌تر نمودن بنا. در سال ۱۶۰۳ میلادی: افزودن تزئینات بیشتری به داخل مقبره. آخرین سال سلطنت سلطان احمد المنصور (توسط پسرش شاهزاده زیدان ابو معالی). در سال ۱۶۱۰ یا ۱۶۱۱ میلادی: خریداری خانه‌ای خصوصی در کنار مقبره و تبدیل املاک آن به یک حیاط یا صحن مسجد، با ابتکار و هزینه‌ی شخصی سخاوتمندی به نام هارون آل اندلسی. مشارکت در خریداری یک چشمه برای مرکز حیاط (توسط یکی از مقامات سعدی، قادی الراسانی اندلس). در سال ۱۶۴۴ میلادی: کمک مالی برای تزئینات حیاط (توسط الحاج علی بن قاسم القمینی) و همچنین اهدا موارد دیگری را برای استفاده در مقبره.
علویان (۱۶۶۶- تاکنون) (عرب)	در سال ۱۶۶۹ میلادی: اعطا هدایای سخاوتمندانه‌ای به زاویه تحت سلسله علویان، (توسط نخستین سلطان مولای راجید). در سال ۱۶۷۹ میلادی و در سال ۱۷۱۴ میلادی، دو مقام دیگر علوی، نصب فواره‌های جدیدی به‌منظور هدایت منابع جدیدی از آب به مسجد (چشمه‌های دیواری).

مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه) و همسرش

مجتمع گورستانی شِلاً (۱۳۳۱-۱۳۴۸ میلادی) (۷۳۹/۱۳۳۹ ق) که امروزه بانام سیته خلیفه^۱ معروف است، در ناحیه رباط -حدود ۲,۵ کیلومتری جنوب شرقی مدینه رباط و ۷۵۰

^۱ -Cité Khalifa

متری غرب ورودی اود بگ رگرگ^۱ -واقع شده است. این گورستان محل مقبره‌های چند نسل از پادشاهان مرینیدی است که از سال ۱۲۴۸ میلادی/۶۴۵ هجری قمری مورد استفاده بوده است. این قبرستان بر روی ویرانه‌های پاسگاه رومی باستان Sala Colonia -شهر بندری باستانی با دیوار- در سال ۴۰ میلادی توسط رومیان بنا شده است. پس از مرگ المنصور در سال ۱۱۹۹ میلادی/۵۹۵ هجری قمری که برنامه‌هایی برای توسعه رباط، به عنوان پایتخت سلسله الموحدون داشت، با مهاجرت ساکنان به شهری در همسایگی شالّه (واقع در همان نزدیکی کرانه شمالی رودخانه اود بگ رگرگ) رها شد و تا اوایل قرن هفدهم میلادی کاملاً محروم و در وضعیت متروک ماند.

گورستان مرینیدی در کمتر از ۳ درصد مساحت کل سایت شالّه، در محوطه‌ای مستحکم و بزرگ‌تر قرار دارد که توسط باروهای محیطی کنگره‌دار ۶ تا ۲۰ متری مشخص شده است. نقشه ناحیه محصور که از طرح شهر رومی Sala Colonia گرفته شده، یک چندضلعی پنج طرفه نامنظم، با برشی در گوشه یک ذوزنقه است. این سایت ۲۶۵ تا ۳۱۰ متر عرض در امتداد محور شرقی- غربی و ۱۸۰ تا ۲۶۵ متر طول در امتداد محور شمال به جنوب دارد. محور طولی سایت ۴۵ درجه خلاف جهت عقربه‌های ساعت از نصف‌النهار شمال- جنوب چرخیده است. بیست برج مربعی در امتداد باروها، فاصله برابری از هم دارند که با سنگ قرمز مخصوص منطقه ساخته شده است. سه ورودی کوچک به قسمت داخلی سایت و همچنین یک ورودی عظیم با قوس دور تیزه‌دار در نزدیکی انتهای شمالی دیوار غربی وجود دارد. درون این مجموعه تدفینی چندین مقبره، دو مسجد، مناره، یک زاویه با صحن مرکزی متصل به حجره‌ها، یک چشمه، یک حمام و یک ستون سنگی یادبودی معروف به "لالا چله"^۲ وجود دارد (میشل، جرج؛ ۲۱۸: ۱۳۹۱). در نزدیک تالار تدفینی (خلوت) ابوالحسن (أل سلطان آل اعظم، "سلطان سیاه"^۳) (۱۳۳۱-۱۳۵۱ میلادی) سنگ مرمر دیگری به همسرش شمس الدوله (خورشید صبح) یک تبعه اروپایی اختصاص داده شده است که در جدول (۳) به بررسی سیر زمانی این مقبره پرداخته شده است. کاوش‌ها همچنین از محله‌های مسلمین، میادین، خانه‌ها و اماکن عمومی پرده برداشته که این مکان‌ها بخش

1- Oued Bou Regreg

^۲ -از نام حامی مقدس منطقه گرفته شده است.

^۳ -Abu al-Hasan (al-Sultan al-'Akhla 'the Black Sultan')

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۴۷

اعظمی از یک شهر تشییعی - و در مواردی یک شهر نظامی - بوده است. برخی از ویژگی‌های معماری - هنری آن هنوز دست‌نخورده و بیان‌گر اوج فعالیت هنری مریندی در اواسط قرن چهاردهم میلادی است.

جدول ۳- سیر زمانی ساخت مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه) و همسرش، (Ali b and athor, 1929)

دوره تاریخی	تحولات تاریخی مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه) و همسرش در سیر زمانی
موحدون (۱۲۶۹-۱۱۳۰ میلادی) (بربر)	تا اواسط قرن ۱۲ میلادی: بیشتر شکل رومی آن توسعه‌نیافته بود. سال ۱۱۹۵ میلادی/ ۵۹۱ هجری قمری: تبدیل اردوگاه نظامی که بعدها به‌عنوان پایه و اساس شهر رباط در نزدیکی ویرانه‌های Sala Colonia، توسط حاکم الموحدون، یعقوب المنصور
مُربیندها (۱۴۶۵-۱۱۹۶ میلادی) (بربر)	سال ۱۳۳۱-۱۳۱۰ میلادی: ساخت استحکامات و باروی اطراف، توسط حاکم ابوسعید و تکمیل توسط ابو الحسن (جانشین وی). قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی: تبدیل به مکانی مناسب برای شهر مردگان (گورستان) توسط حاکمان بنی مرین شد.

آرامگاه بل عباس^۱

زاویه سید بل عباس یک بنای مذهبی قابل‌احترام در مراکش است که یاد و خاطره یک واعظ اثرگذار صوفی قرن دوازدهم میلادی را گرامی می‌دارد. سیدی بل ابی العباس (۱۱۳۰-۱۲۰۵ میلادی) که پیش‌تر با نام ابو عباس صابتی شناخته می‌شود. فردی مقدس در مراکش و یکی از هفت مقدس صوفیان در ارتباط با این شهر بوده است. به گواه لیسان آدینه-ابن الخطیب، مجموعه سیدی بل عباس در قرن چهاردهم ساختار متوسطی داشته است. این مجموعه با نقشه نامنظم متشکل از آرامگاه، مسجد، اماکن مذهبی و آموزشی متنوعی بود که به‌وسیله دو حیاط مستطیل شکل بی‌قاعده پیوند و سازمان‌دهی شده بود. در محل تقاطع دو حیاط، مناره مسجد در گوشه شمال شرقی آن واقع شده است. شبکه ساختاری هر ساختمان در مجموعه، با یکی از دو محور اصلی طولی تراز شده است. این محورها در قسمت خانه مقبره بل عباس اول، هجده درجه خلاف جهت عقربه‌های ساعت از نصف‌النهار شمال-جنوب چرخیده است. مسجد، مدرسه، بیمارستان برای نابینایان، بازار، مغازه‌ها و دستشویی‌ها با گروهی از شبکه‌های مدرج مشتق شده و محورهای قسمت جنوب‌غربی، این مجموعه را تنظیم می‌کند. در این مجموعه دو حیاط فضای بینابینی، باعث چرخش شش درجه در سطح

1- Sidi Bel Abbas

می‌شود. انتهای دو حیاط بزرگ این مجموعه یک بازار خطی با حدود ۳۶ متر طول و ۱۲ متر عرض، به یک حیاط ورودی مثلثی کوچک می‌رسد. در مجتمع نوانخانه‌ای برای نابینایان قرار دارد. داستان واقعی معماری زاویه از ابتدای قرن هفدهم آغاز می‌شود. با روی کار آمدن علویان در قرن هجدهم میلادی، با وجود جابجایی دربار به مکناس، توجه به محل آرامگاه تضعیف نمی‌شود. (Triki, 1986: 28) در جدول (۴) به بررسی سیر تاریخی آرامگاه بل عباس پرداخته شده است.

جدول ۴- سیر زمانی ساخت زاویه بل عباس، (Triki, 1986: 28)

دوره تاریخی	تحولات تاریخی زاویه بل عباس در سیر زمانی
مُربیندها (۱۴۶۵-۱۱۹۶ میلادی) (بربر)	در قرن چهاردهم میلادی ساختار متوسطی داشته است
سعدیان (۱۶۵۹-۱۵۱۱ میلادی) (عرب)	در سال ۱۶۰۳ میلادی: احداث مسجدی متصل به مقبره اولیه در زمان سلطان سعد ابو فارس ^۱ در سال ۱۶۱۵ میلادی: ساخت کتابخانه. در سال ۱۶۲۵ میلادی: تدفین جسد ابن ابو محالی در زیر مدرسه سیدی بل عباس.
علویان (۱۶۶۶- تاکنون) (عرب)	در سال ۱۷۲۰ میلادی: برپایی یک حجره بر روی مقبره قدیس (توسط سلطان مولای اسماعیل). در سال ۱۷۵۶ میلادی: صدور دستور بازگرداندن مدرسه و پناهگاه مرفه (توسط سیدی محمد بن عبدالله) و تکوین شکل کنونی آرامگاه در سال ۱۷۶۹ میلادی: وقف یک چشمه یادبود (توسط ابن سلطان) به مقبره. در سال ۱۲۴۰ ق / ۱۸۲۴ میلادی: صدور دستور تعمیر زاویه توسط سلطان عبد الرحمن. در سال ۱۸۵۰ میلادی: سوغات Majadliyin در مجاورت زاویه (توسط پسرش، سلطان محمد چهارم). در سال ۱۹۰۷ میلادی: تزئین اتاق مقبره (توسط سلطان مولای عبدالعزیز) کاری که برای یکبار دیگر در دهه ۱۹۸۰ میلادی: تزئین مجدد بنا (توسط شاه حسن دوم)

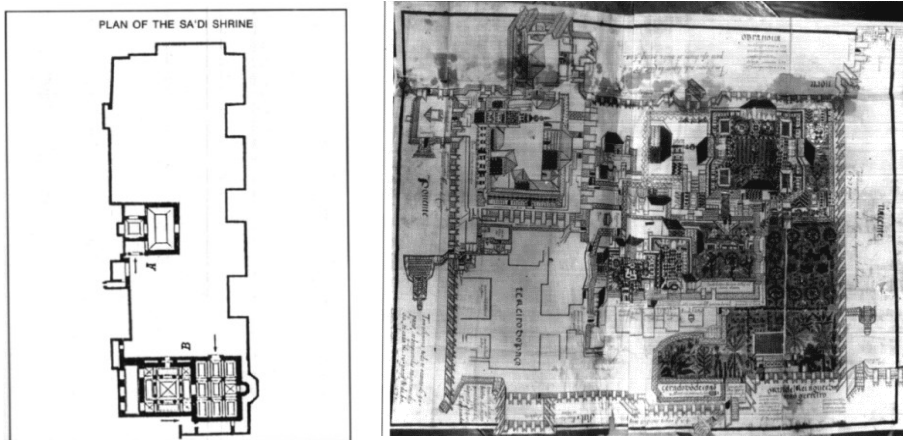
آرامگاه سعدیان

این مجموعه تدفینی در قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی)، توسط سلطان احمد المنصور (به ترتیب ۱۵۷۸-۱۶۰۳ میلادی / ۹۸۵-۱۰۱۱ هجری قمری) به منظور توسعه مسجد الموحدون و اقتدار مذهبی سلسله قدرت مند جدید سعدی تأسیس شده است و در

^۱Abu Faris al-Wathiq

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۴۹

گوشه شمال غربی سعدی کاسبه^۱ واقع است. در منابع مستند به‌عنوان "قبر الاشراف" (مقبره شریفان)^۲ نیز نامیده می‌شود و ضمیمه‌ای است بر مسجد کاسبه؛ یک حجم مکعبی مسقف و شیب‌دار به رنگ سبز که متشکل از دو مقبره در درون یک باغ محصور است. تصاویر (۲ و ۳) نقشه‌های محوطه سعدیان نمایش داده شده است.



تصویر ۲- نقشه تهیه شده از شهر مراکش توسط پرتغالی‌ها در سال ۱۵۸۵ (Barrucand, 1989)

تصویر ۳- نقشه محوطه تدفینی سعدیان (Schlingloff, 1969)

این مجموعه به وسیله دیوارهای پیرامونی باغ، به طول هشتادوپنج متر، در امتداد محور شرقی- غربی و بیستوپنج متر در امتداد محور شمال به جنوب، مشخص شده است. محوری طولی باغ، شصت و نه درجه در جهت عقربه‌های ساعت از نصف‌النهار شمال-جنوب چرخیده است. دیوار شمالی باغ مستقیماً با دیوار جنوبی مسجد یعقوب المنصور مماس است و سه دیوار دیگر باغ، با محله‌های مسکونی متراکم، هم‌مرز است. این باغ‌ها که محوطه‌سازی سرسبزی را نمایش می‌دهد با یک پیاده‌رو کاشی‌کاری ساده، مسیری با پوشش گیاهی بین دو ساختار آرامگاهی ایجاد می‌کند (Glaire D and athor, 2017:69) با توجه به (تصویر ۴) این باغ‌ها از طریق درگاه مشخصی در حاشیه غربی مجموعه در دسترس است.

^۱ kasbah

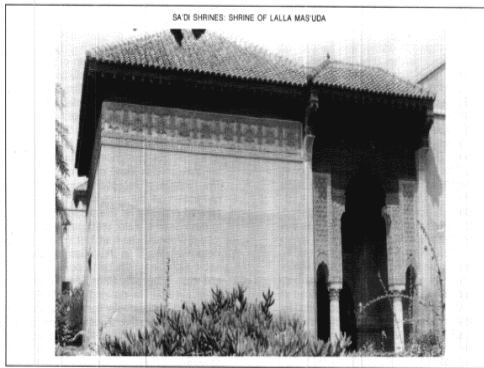
^۲ Sharifs

۵. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال دهم، شماره ۲۳، پاییز ۱۴۰۱

تصویر ۴- محوطه تدفینی سعدیان، دید به مقبره کوچک شرقی (مقبره لالا مسعوده)،

(Barrucand, 1989)



این مجموعه تدفینی متشکل از مقبره‌های خود احمد المنصور، پسرش مولای زیدان و لاله ماسودا (همسر محمد الشیخ) است و مقبره حاکمان سعدی به خاطر فضای داخلی با تزئینات ظریف، بیش‌تر قابل توجه است. آرامگاه‌های بزرگ‌تر برای خاندان منصور است. ساختمان مکعبی که متشکل از سه اتاق و دو سالن است که به قسمت جلوی مقبره اصلی اضافه شده و چندین مقبره گمنام کوچک و قبرهای سنگی سمبلیک به شکل تابوت، در فضای گالری گونه‌ای قرار دارند؛ در حالی که پنج مقبره گمنام بزرگ از جمله المنصور در فضای اصلی نمایش داده می‌شود. علاوه بر خاندان سعدیان، عده زیادی از علویان نیز در داخل ساختمان دفن شده‌اند. در حال حاضر ۵۶ لوح سنگی یادبود و حدود ۱۰۰ قبر در اطراف مقبره و محوطه عظیم پراکنده است. در جدول (۵) به بررسی سیر زمانی آرامگاه سعدیان پرداخته شده است.

جدول ۵- سیر زمانی ساخت آرامگاه سعدیان، (Barrucand, ۱۹۸۹)

دوره تاریخی	تحولات تاریخی آرامگاه سعدیان در سیر زمانی
مربیندها (۱۴۶۵-۱۱۹۶ میلادی)	۱۵۵۷-۱۵۷۴ میلادی: ساخت مقبره ساده و کوچک محمد الشیخ (قدیمی‌ترین قسمت این محوطه) توسط "سلطان سیدی عبدالله غالب"
(بربر)	۱۵۹۱-۱۶۰۳ میلادی: ساخت تالار مقبره اصلی (مقبره دوم) در راستای دیوار غربی باغ، از جنوب به شمال (توسط احمد المنصور بزرگ).

آرامگاه مولای اسماعیل^۱

این مقبره در نزدیکی مقبره مقدس سیدی عبد الرحمن المجدد^۲ شاعر و عارف مشهور قرن ۱۰ هجری (۱۶ میلادی) ساخته شده است. این مجموعه تدفینی و جنازه سلطنتی دور از کاخ واقع شده و با دکوراسیون غنی، بازدیدکننده را به خود جلب کرده و به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود. (Touri and Lakhdar, 2014)

بررسی ساختار کالبدی-فرمی معماری آرامگاه‌ها

جدول ۶- بررسی ساختار معماری آرامگاه‌ها در مراکش، مآخذ: نویسندگان بر اساس ادبیات تحقیق

شهر	نام بنا	ساختار فضایی معماری	ساختار کالبدی و ورودی	حجم کلی بنا	پلان
فاس	زاویه مولای ادریس دوم	آرامگاه مجموعه‌ای تالار مربعی ایوان نیمه‌باز صحن روباز دارای چشمه مرکزی	سه ورودی مشخص (غیرمنتظیم) تک مناره در قسمت ورودی		
شهر تدفینی شالیه-ریاط	مقبره سلطان ابوالحسن و همسرش	آرامگاه مجموعه‌ای تالار مربعی فاقد ایوان به صورت آرامگاه منفرد در جوار دیوار	ارتباط سه سوپه، محیط پیرامون با بنای تدفینی		
مراکش	زاویه سعید بعل عباس	آرامگاه مجموعه‌ای تالار مربعی ایوان نیمه‌باز صحن روباز دارای چشمه مرکزی احاطه شده با سه حیاط	سه ورودی مشخص (غیرمنتظیم) تک مناره در قسمت همپوشانی دو حیاط بزرگ		
مراکش	مقابر سعدیان	آرامگاه منفرد در حوض باغی محصور تالار مربعی فاقد ایوان صحن روباز	ورودی اصلی غیرمنتظیم و ورودی‌های متعدد (پل ارتباطی با بناهای مجاور) فاقد مناره		
مکناس	آرامگاه مولای اسماعیل	آرامگاه مجموعه‌ای تالار مربعی ایوان نیمه‌باز صحن روباز دارای چشمه مرکزی احاطه شده با سه حیاط	ورودی مقبره، تالار مربعی شکل با اشباع به طول ۹.۸۸ متر، متشکل از یک سالن ورودی وسیع و دارای شماییم حیاط اول و دوم؛ فضای باز وسط در مسیر حرکتی.		

1 -Mulay Isma'il Mausoleum

2 -Sidi 'Abd Al-Rahman al-Majdub

در یک جمع‌بندی اجمالی، ساختار معماری آرامگاه‌ها در دو گروه منفرد و مجموعه‌ای، در ترکیب با سایر بناها دسته‌بندی می‌شود. آرامگاه‌های منفرد، مانند مقابر سعیدیان است؛ در یک محوطه باز، دارای تالاری مربعی و بدون ایوان. سقف اغلب آرامگاه‌های منفرد از نوع گنبدخانه‌ای است. آرامگاه‌های مجموعه نیز به دو گروه مجموعه‌ای منظم و نامنظم تقسیم می‌شود. گروه دوم آرامگاه‌های مجموعه‌ای نامنظم، شامل تالاری با الگوی مربعی شکل، همراه با ایوان و محوطه باز است. آرامگاه‌های مجموعه‌ای منظم نیز شامل مجموعه‌ای تدفینی، بر پایه هندسه مربع و محوطه باز است. در جدول (۶) به بررسی ساختار معماری آرامگاه‌ها پرداخته شده.

تزیینات

در بناهای اولیه که از سده نهم میلادی ساخته شده، عناصر معماری و تزیینی شرق خلافت عباسی و اسپانیای اموی درهم‌تنیده شده است. از قرن یازدهم به بعد مغرب - به خصوص مراکش - در محور فرهنگی مشابه با اسپانیای اسلامی قرار گرفت. این داد و ستد فرهنگی به خصوص در زمان سلسله موحدون و مرابطون (سلسله‌های بزرگ بربر) فراهم گشت. اشکال مختلف قوس دار و قوالب دالبری برای ایجاد درهم‌تافتگی‌های مرکب، روی بناهای عظیم دیده می‌شود. مقرنس نیز در طاق‌بندها، قوس‌ها و طاقچه‌ها فراگیر است. در سلسله‌های مرینید و بنی‌سعد تزیین معماری بیش از بنای معماری مورد توجه بوده و متکامل شده است. گچ‌بری با قلم، خاتم‌کاری با چوب، کاشی و موزاییک زرین فام سقف‌های سبز کاشی که در کاخ‌ها و صحن مساجد، همراه با حوض آب به کار می‌رفت از اسپانیا اقتباس شده است (میشل، جرج؛ ۱۳۹۱: ۲۱۵). نحوه تزیین مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه) در گورستان شلاً (به‌ویژه در نمای بیرونی مناره ناتمام مسجد حسن (۱۹۹۴-۹۹) - واقع در ۱،۷۵ کیلومتری شمال شلاً -)، همچنین، جزئیات باقی‌مانده از سازه‌های گورستان ساخته‌شده توسط ابوسعید و ابوالحسن، بیان‌گر آن است که به‌شدت تحت تأثیر سبک الموحدون قرار داشته است.

تزیینات اصلی در فضای داخلی آرامگاه سعیدیان که امروزه مورد تحسین هنرمندان صنایع دستی است، مطابق با سنت‌های غنی معماری سعیدی است که در اواسط قرن هفدهم

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۵۳

میلادی، در سایر سازه‌ها نیز یافت می‌شود. نقش مایه‌های گچی، به واسطه بازی پر و خالی از طریق تنوع رنگی بر سطوح سفید گچ، مثل یک شبکه گسترده، بر بازتاب نور و تاریکی تأکید دارد. در تزئینات از واحدهای گیاهی انتزاعی با شاخه‌های پیچ‌خورده خود استفاده شده. همچنین اشکال تکه‌تکه، انتزاعی از عناصر هندسی است که در آن با ایجاد یک‌شکل تکثیر شده، تداوم مدل‌سازی بصری، تغییر می‌یابد. تزئینات چوبی در معماری دوره سعدیان و سایر آرامگاه‌های مزبور، به‌شدت تحت تأثیر سبک الموحدون و نجاری اسپانیایی در دکوراسیون سازه است. کاشی و سرامیک‌های لعاب‌دار سبز با امضای منطقه‌ای، سقف هر می‌مقبره سیدی بل عباس و سایر آرامگاه‌ها را پوشش می‌دهد. جدول (۷) به مقایسه تطبیقی تزئینات به‌کار رفته در آرامگاه‌های مراکش می‌پردازد.

جدول ۷- مقایسه تطبیقی تزیینات بکار رفته در آرامگاه‌های مراکش، (نویسندگان بر اساس ادبیات تحقیق)

شهر	نام بنا	تزیینات داخلی بنا	تزیینات بیرونی بنا	سقف بنا	تصویر
فاس	زاویه مولای ادریس دوم	استفاده از قاب‌های متنوع در تزیینات داخلی مسجد (دیوارها و محراب آرامگاه) - کج‌پری‌های حک‌شده و نقاشی شده - کاشی‌های معرق (زلیج) - ستون‌های مرمر سفید و سیاه مزین - درهای چوبی در ضلع غربی ساختمان سردر و هشتی	- فوس مرکزی ورودی، در میان مجموعه‌ای شکل از خطوط رنگارنگ درخشانند. - کتیبه‌ای برای تجلیل جلال خدا و پیغمبر یک - چشمه مرکزی با مرمر سفید. در صحن مجموعه.	- سقف هرمی بزرگ با کاشی سبز - گنبد بزرگ چوبی متشکل از صدها یا هزاران قطعه چوبی کوچک برای ایجاد الگوی ستاره مانند (مانند معماری موری و مراکشی). - آسمانه چوبی مقبره بازو کاشی حک‌شده با مس و طلا با خطاطی عربی	
شهر تدفینی - شماله - ریاط	مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه) و همسرش	بقایای از تزیینات کتیبه‌های نوشتاری تزیینی	- نمای سنگ‌تراشی برجسته‌ای از عناصر معماری (مشکل از سه فوس تیزه دار که توسط ردیف ستون‌بندی شده‌ای پشتیبانی می‌شود). - کلت‌های اضافی با زمین‌های لوزی شکل به‌صورت تکیه‌گاه در بالای فوس‌ها.	سایبان مقرنس گونه سقف بنا	
مراکش	زاویه سید بل عباس	- سنگ و چوب‌های شفاف، - حکاکی‌های گچ‌بری پیچیده از نقوش گیاهی انتزاعی - کاشی‌کاری زلیج پلی کروماتیک. - دیوارهای با موزایک‌های زلیج. - پنجره‌های رنگی.	- حیاط‌ها مفروش با کاشی‌های سنگی بزرگ سیاه‌وسفید در یک الگوی شبکه مستطیل.	- کاشی و سرامیک لعاب‌دار سبز در سقف هرمی مقبره. - همچنین رنگ‌های مختلف کاشی در سقف سازه‌ها - یک سقف گنبدی چوبی با نقوش دیدنی	
مراکش	آرامگاه سعدیان	- قاب‌بندی کامل تالار مرمری با تزیینات سرامیکی یا تزیینات منبت شده با گچ و چوب (در ترکیب با نور). - تزیینات مقرنسی محراب - قسمت‌های پایین دیوارها از کاشی‌های رنگی فرمز مایل به قهوه‌ای در چندین الگوی هندسی مکمل. - در دو متر بالاتر از سطح کف، الگوی کاشی به حالت توپر و به‌صورت کتیبه‌های فرمز مایل به قهوه‌ای حک‌شده‌ای که در بالای آن کتیبه‌های دست‌نوشته کج‌پری روی دیوار قرار دارد. - دیوارها تا ارتفاع ۱۶۰ متر با تزیینات زلیج کاشی کوچک). - یک کتیبه گچ کاری شده یا انیگرافی حجاری شده در بالای آن. - سرستون‌های سالن تشییع یک قسمت استوانه‌ای با دو ردیف طرح‌های گنجهی شکل در جوار یک قسمت منشوری سنگین مزین شده با طرح نخل و برگ نخلی.	- در اطراف سقف چوبی مرکزی در قسمت فوقانی نمای مقبره کتیبه مقرنسی با تزیینات هندسی. - مقرنسی‌های با مقیاس ریز پوشیده با گچ	- مسقف شش‌پایه با کاشی‌های سبز - سقف‌های بلند پر تزیین و جزئیات مقبره اصلی پوشیده از گره چوبی هندسی (هرگز به اتمام نرسید). - گنبدی راست‌گوشه سدری که پوشاننده فضای مرکزی است و هم‌گنبدی‌های خم‌سره‌ای شکلی که در آستانه‌های ضخیم شده بین حجم اصلی و گاری‌های اطراف آن	
مکناس	آرامگاه مولای اسماعیل	- سرستون‌های سالن تشییع یک قسمت استوانه‌ای با دو ردیف طرح‌های گنجهی شکل در جوار یک قسمت منشوری سنگین مزین شده با طرح نخل و برگ نخلی.	- دیوار حیاط با زلیج تا ارتفاع ۵۶ متر، کف حیاط به‌طور یکتا با زلیج کاشی کاری شده - مرکز حیاط سوم مزین با استخر دور عمیق	- سقف شش‌پایه با تزیینات کاشی‌کاری سبز.	

تحلیل یافته‌ها

جدول ۸- مقایسه تطبیقی فضایی در پلان آرامگاه‌ها، مأخذ: نویسندگان بر اساس ادبیات تحقیق

ارتباط آرامگاه با فضای باز	انتظام فضایی	سلسله مراتب فضایی	دسترسی پذیری
	<p>- مربع بدون ایوان + محوطه باز (دوره اول) آرامگاه منفرد - از نوع گنبدخانه‌ای - الگوی مربعی شکل و ایوان محوطه باز (دوره دوم) - آرامگاه مجموعه‌ای نامنظم - مجموعه تدفینی بر پایه هندسه مربع + محوطه باز (دوره سوم) آرامگاه مجموعه‌ای منظم</p>		

نمونه‌های معماری آرامگاهی، در چهار شهر تاریخی مراکش، نقش برجسته‌ای در توسعه

شهری داشته است. این نمونه‌ها بر اساس سیر زمانی و دوره حکومتی مورد مطالعه قرار گرفته است. در جدول (۸) نمونه‌ای از قدیمی‌ترین پلان‌های معماری ساخته‌شده در سال‌های اولیه بعد از ورود اسلام، ارائه شده که منظور از آن ارائه شواهدی کامل‌تر برای دستیابی به دسته‌بندی جامعی از تیپولوژی آرامگاهی این دوره تاریخی از مراکش است. با تطبیق و مقایسه یافته‌ها، نحوه ارتباط بنا با محیط پیرامونش، از طریق سه مؤلفه سلسله‌مراتب فضایی، انتظام فضایی و دسترس‌پذیری که در ساختارمندی فضا مؤثرند، مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

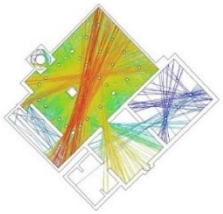
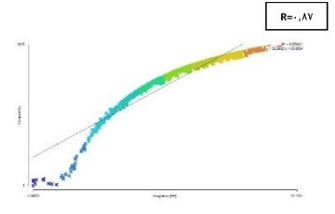

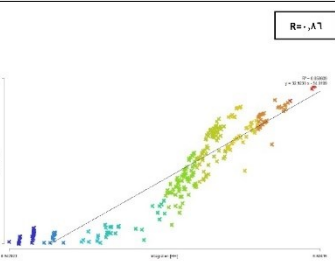
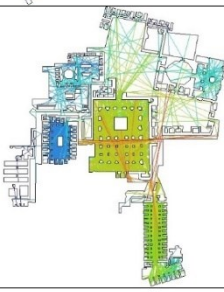
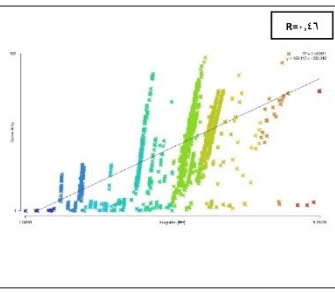
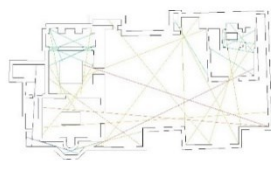
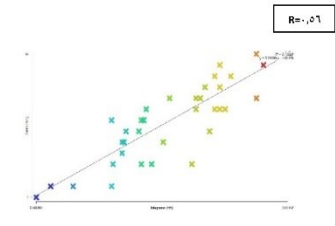
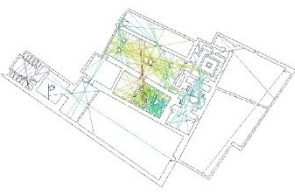
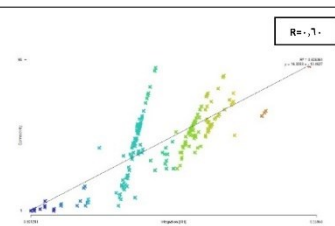
بر اساس جدول تطبیقی (۸)، مقبره‌های سلطان ابوالحسن و همسرش در شهر رباط و آرامگاه سعدیان در مراکش، با فضای باز (حیاط درونی)، بیش‌ترین ارتباط را دارد. ارتباط محیطی مؤثر در دو آرامگاه سلطان ابوالحسن و آرامگاه سعدیان به گونه‌ای است که توسط فضای باز درونی محصور شده. نیز، فضای آرامگاهی با فضای باز را-محصور در یک سلول فضایی منسجم و بلافصل- فراهم ساخته است. این امر سبب گردیده انتظام فضایی ناشی از محوربندی هندسی پلان و سلسله‌مراتب فضایی منتج از قرارگیری فضاهای نیمه‌باز و بسته، در این دو آرامگاه، متفاوت با انواع دیگر و ضعیف‌تر نمایش داده شود.

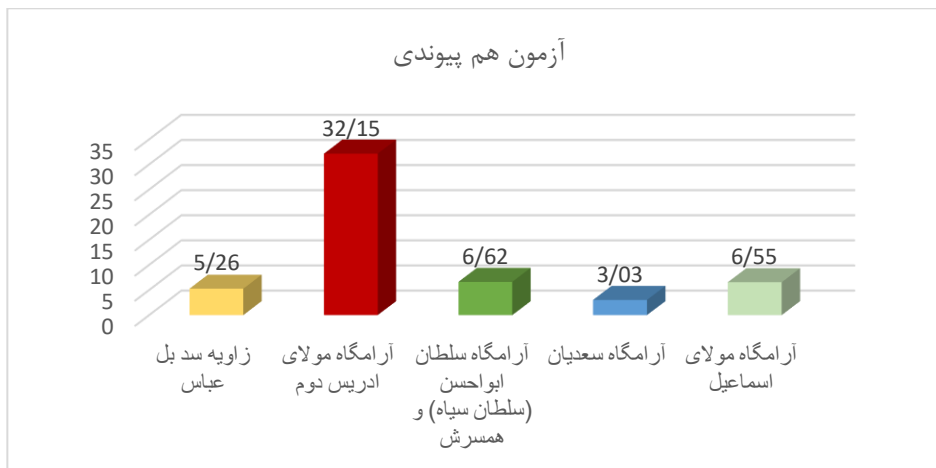
با مقایسه دسترس‌پذیری از فضای بیرونی به زاویه سید بل عباس و زاویه مولای ادريس دوم، با وجود انتظام فضایی و الگوی هندسی مشابه در هر دو آرامگاه و قرارگیری فضای باز (حیاط درونی)، در رابطه با محوربندی هندسی فضا، به این نتیجه می‌رسیم که ارتباط محیطی مؤثر پلان زاویه سید بل عباس در شهر مراکش، در ارتباط با فضای بیرون، به‌گونه‌ای است که حلقه اتصال این بنا با سایر بناهای مجاور بافت شهری، توسط فضای خالی غیرمنظمی فراهم‌شده و حیاط درونی آرامگاه، در تطابق با سلسله‌مراتب فضایی حاکم بر طرح نیست. طبق داده‌های کمی جدول (۹) این بنا دارای کمترین قابلیت درک فضایی برای مراجعه‌کنندگان است. یعنی میزان پیوستگی کمتری دارد و نسبت به بناهای مجاور جدا افتاده‌تر است. از طرفی با توجه به آزمون صورت گرفته، پلان مقبره سلطان ابوالحسن و همسرش در شهر تدفینی رباط و زاویه مولای ادريس دوم در شهر فاس، در بین سایر نمونه‌های بررسی شده، دارای بیش‌ترین هم‌پیوندی و قابلیت درک فضایی برای مراجعه‌کنندگان است. طبق تحلیل کیفی پلان هر دو بنا، ارتباط بلافصل آرامگاه با فضای باز منظم درونی، منجر می‌شود به حرکت با کمترین تغییر با جهت‌گیری فرد از هر فضا به

تمام فضاهای دیگر محیط. زاویه مولای ادريس دوم، با بالاترین میزان هم‌پیوندی بیان‌گر بهترین پیکره‌بندی فضایی در بین نمونه‌های موردی است؛ چرا که با توجه به سازمان فضایی حیاط باز درونی که در تطابق با نظام حاکم بر سلسله‌مراتب فضایی آرامگاه است و نیز تعدد امکان ارتباط، حداکثر دسترس‌پذیری را به بناهای مجاور دارد. پیکره‌بندی نخستین چیزی است که شناخت فضایی انسان‌ها را با حرکت در فضاها، شکل داده و تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. آرامگاه مولای اسماعیل در شهر مکناس با توجه به آزمون هم‌پیوندی، دارای کمترین میزان قابلیت درک فضایی است و وجود حیاط‌های درونی متعدد، میزان قابلیت درک فضایی را کاهش داده است.

با مقایسه گراف‌های نمایان‌گر آزمون هم‌پیوندی، می‌توان کم‌ازدحام‌ترین فضا را، قسمت مقدس مقبره‌ها دانست. صحن و حیاط درونی مجموعه‌ها، جزو فضاهایی با پتانسیل بالای تعاملات اجتماعی بوده که درجه هم‌پیوندی آن، با توجه به موقعیت این فضا در نظام سلسله‌مراتب فضایی هر آرامگاه متفاوت است. فضای مقدس مقبره به‌عنوان فضای اصلی در معماری آرامگاه، از لحاظ سازمان‌دهی فضایی، کارکرد متفاوتی با الگوی فضای میانی آرامگاه‌هایی ایرانی و خاورمیانه دارد. این تمایز در دو بعد مشهود هست؛ ساختار فرمی - کالبدی و چگونگی هم‌پیوندی اتصال فضایی با بناهای مجاور. در بناهای آرامگاهی ایران، الگوهای منفرد برجی‌شکل، با الگوی پلانی فاقد جهت‌گیری مشخص و الگوهای مجموعه‌ای، نمود یافته که به‌صورت یک فضای متصل برون‌گرا توسط بناهای دیگر احاطه شده است. نحوه محصور شدن و دسترس‌پذیری آرامگاه از بناهای مجاور، منطبق بر سازمان‌دهی فضاهای نیمه‌باز ایوان باز و بسته است. حیاط درونی جزو ساختار اتصالی بناهای مجاور به فضای آرامگاهی است که با کمترین تغییر جهت ممکن، حرکت در مسیر را فراهم می‌کند. (اسکویی و دیگران ۲۶۴-۲۶۱: ۱۳۹۹)

جدول ۹- مقایسه تطبیقی پلان با نرم افزار دپس مپ، مأخذ: نگارندگان

شهر	نام بنا	آزمون هم پیوندی	خوانایی (نمودار هم پیوندی - اتصال)
فاس	زاویه مولای ادريس دوم		
شهر تدفینی شائه - رباط و همسرش	مقبره سلطان ابوالحسن (سلطان سیاه)		
مراکش	زاویه سید بل عباس		
مراکش	آرامگاه سعدیان		
مکناس	آرامگاه مولای اسماعیل		



تصویر ۵- مقایسه اجتماع‌پذیری آرامگاه‌های بررسی شده، مأخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری:

بررسی الگوهای معماری هر بومی در یک دوره زمانی و منطقه‌ای، از فرهنگ آن نقش می‌پذیرد و ابزار معتبری برای روشن‌نگری مؤلفه‌های فرهنگی محسوب می‌گردد که با تأثیرگذاری بر هنجارها و ارزش‌ها، در قالب فعالیت‌ها و رفتارها بازنمایی می‌شود. معماری تدفینی یا آرامگاهی که جزو جدایی‌ناپذیر معماری آیینی است، متناسب با نوع اندیشه و اعتقاد رایج در آن جامعه است. از این رو می‌تواند یکی از متنوع‌ترین فضاهای آیینی معماری به شمار آید که پدیده‌های فرهنگی، در شکل‌گیری ساختار فضایی آن نقش بیش‌تری ایفا می‌کند. محقق، در پاسخ به این سوال که معماری آرامگاه‌های شمال غربی آفریقا (مراکش)، بعد از ورود اسلام دارای چه ویژگی‌هایی است؟ این بناها را از لحاظ میزان هم‌جواری و نوع ارتباط کالبدی با محیط پیرامون، در سه گروه آرامگاه‌های منفرد، آرامگاه مجموعه‌ای نامنظم و آرامگاه مجموعه‌ای منظم طبقه‌بندی کرده است. وجه مشترک تزئینات هر سه گروه آرامگاه‌ها، ساخت بنا با مصالح برگرفته از بوم، الگوهای تزئینات موسوم به کاشی زلیچ، قاب‌بندی‌های تزئینی و کنگره‌های مقرنس‌گونه در نوار بالایی است؛ در گروه‌های دوم و سوم (از انواع مجموعه‌ای) با بهره‌گیری از تزئینات غنی و نقش‌مایه‌های گچ‌بری برگرفته از فرم‌های انتزاعی گیاهی، هندسی، کتیبه‌های قرآنی، تزئینات مقرنس‌گونه و استفاده از رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای، این ارتباط فرهنگی با الگوها و نقش‌مایه‌های بومی تقویت می‌شود.

محوطه و موقعیت قرارگیری آرامگاه‌ها که اغلب در کنار پدیده‌های طبیعی مثل چشمه قرار گرفته بر اثرگذاری عوامل فرهنگی - محیطی بر موقعیت آرامگاه‌های مراکش دلالت دارد. بر اساس تحلیل کالبدی، پلان این آرامگاه‌ها دارای الگوی هندسی تقریباً ثابتی است، هندسه پلانی این بناها در قالب فرم هندسی مربعی شکل، توسعه یافته که مبنای اولیه طراحی مقابر اسلامی مراکش است. در بررسی فرمی این مجموعه‌ها، نظام طراحی آرامگاه‌های مراکش تحت تأثیر انتظام فضاها، باز، بسته و نیمه باز است؛ بدین صورت که درون یک حیاط خصوصی که با چشمه‌های حوض در مرکز فضای منظم هندسی مزین شده، فضایی نظیر باغ‌های ریاض در مراکش را پدیدار ساخته و بنای تدفینی در حیاط داخلی قرار گرفته است. حیاط‌های محصور به دو گونه نمود یافته‌اند؛ نوع اول بنای تدفینی را در برگرفته و نوع دوم به صورت یک حیاط منتظم مربع‌گونه، جزئی از کلیت انتظام فضایی و هندسی بنا می‌شود. عدم شفافیت بصری از بیرون به درون و امکان دسترسی متعدد از نقاط مختلف بافت شهری به مجموعه، بوستانی را درون دیوارهای بلند ایجاد می‌کند. آنچه شرایط پیوند فضایی بنا با بافت شهری را بالا می‌برد، سر در شاخص بنا و وجود ورودی‌های متعدد تزئین شده، با وجود نماهایی با دیوار بلند کم‌تزیین است که نقش فضای رابط را بازی می‌کند. در یک جمع‌بندی کلی، شکل ریز فضاها، مواد و مصالح و نحوه کنار هم قرارگیری در کلیت پلانی، شباهت زیادی با یکدیگر دارد که نحو فضایی حاکم بر سازمان فضایی، فارغ از هرگونه ترتیبی، مبتنی بر چیدمان ایوان - فضای حرم و حیاط درونی است.

نتیجه مقایسه جدول (۸ و ۹) و ارزیابی مقادیر ناشی از همبستگی آزمون هم‌پیوندی و اتصال فضایی که توسط نرم‌افزار برآورد شده نقش مؤلفه‌های اجتماعی در پیکره‌بندی فضایی این بناها را با محیط جغرافیایی، موردسنجش قرار می‌دهد. وجه تمایز بارز این آرامگاه‌ها در نوع ارتباط درونی فضاها و اتصال و پیوند فضایی با فضاها مجاور است. نحوه ارتباط درونی ریز فضاها منجر به این شده که بناهای آرامگاهی موردبررسی، از نظر ترکیب فضاها و پیکره‌بندی با هم تفاوت داشته باشد. این موضوع زمانی مشهود است که نحوه تجربه کردن فضا از طرف مخاطب اهمیت می‌یابد. در بناهای آرامگاهی اسلامی مراکش، حیاط درونی جزو جدایی‌ناپذیر سازمان فضایی آرامگاه و بخشی از نظام سلسله‌مراتب فضایی حاکم بر طرح است و در الگوهایی که دسترس‌پذیری از طریق حیاط‌های پیاپی و با بیش‌ترین تغییر جهت حرکتی فراهم می‌شود، میزان خوانایی کاهش می‌یابد. در معماری آرامگاهی

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۶۱

مراکش، حیاط درونی جزو لاینفک الگوی معماری است ولی دسترس‌پذیری به فضای مقدس، فقط از این طریق فراهم نمی‌شود، بلکه حیاط نقش یک باغ درونی را ایفا می‌کند که اگر در ارتباط با سلسله‌مراتب فضایی و محور حرکت اصلی بنا باشد، بالاترین میزان پیوستگی و اتصال و نیز بیش‌ترین پیکره‌بندی فضایی، فراهم می‌شود. با بررسی کیفی و تحلیل کالبدی، آرامگاه مولای ادریس دوم دارای بیش‌ترین تزئینات و مجموعه‌ای با انتظام فضایی است که با داشتن سه راه دسترس ورودی از جهات مختلف، ایوانی نیمه‌باز و صحن روباز در ارتباط با سازمان فضایی و حرکتی طرح، فرصت بیش‌ترین میزان حضور افراد را در این مجموعه، نسبت به سایر آرامگاه‌ها فراهم می‌کند. از طرفی با توجه به تعدد حلقه اتصال به محیط پیرامون، دارای بیش‌ترین دسترس‌پذیری به مقبره است که بر اساس مقادیر همبستگی هم‌پیوندی و اتصال فضایی (R) دارای بهترین پیکره‌بندی فضایی و تجربه کردن فضا از نظر مخاطب، نسبت به سایر مجموعه‌های آرامگاهی است که خود نمایان‌گر میزان ارتباط اجتماعی و فرصت تعاملات اجتماعی در این آرامگاه است.

منابع:

۱. ابن واضح یعقوبی. (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. اسماعیل، محمود. (۱۳۸۳). ادریسیان؛ یافته‌های جدید. ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: انتشارات باز.
۳. ام کوک، ژوزف. (۱۳۷۳). مسلمانان آفریقا. ترجمه اسدالله علوی. مشهد: انتشارات آستان، قدس رضوی، چاپ اول.
۴. آدمی، علی و احمدی، حسن و دهقانی، محمد. (۱۳۹۶). سیر تطور تاریخی تشیع در مراکش. دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال ۵، ش ۱۰، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۵. پوپ، آرتور. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران. جلد هشتم، تهران، علمی و فرهنگی.
۶. حیدری، ع و قاسمیان اصل، ع و کیایی، مریم. (۱۳۹۶). «تحلیل ساختار فضایی خانه های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا مطالعه موردی: مقایسه خانه های یزد، کاشان و اصفهان. مطالعات شهر ایرانی اسلامی»، دوره هفتم، شماره ۲۸، صص ۲۱-۳۳.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۳۱۱۰۲۲>
۷. ذوالفقارزاده، حسن؛ حصاری، پدram. (۱۳۹۳). نظریه بومشناسانه به معماری زیستگاهها»، فصلنامه مسکن و محیط، روستا، شماره ۱۴۵، تهران، صص ۴۴-۲۹.
۸. رحمتی زاده، علی و سلطانزاده، حسین و اعتصام، ایرج و مختاباد، سید مصطفی. (۱۳۹۸). نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر، دو فصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان، صص ۶۰-۸۳.
۹. رضایی لیبایی، سیندخت؛ سلطان زاده، حسین و عسکری زاد، رضا. (۱۳۹۹). «تحلیل دیدگاه آرتور ایهام پوپ در رابطه با معماری ایران با تأکید بر نوشتار کتاب

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۶۳

«سیری در هنر ایران». مجله هنر و تمدن شرق، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱۵ - ۲۴.

DOI: 10.22034/jaco.2020.215353.1134.URL: http://www.jaco-sj.com/article_105123.html

۱۰. سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۸). معماری ایران در دوره اسلامی (مفاهیم، الگوها و آثار). چاپ اول، قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، صص ۹۸-۱۱۵.

۱۱. سلطانزاده، حسین. (۱۳۸۸). «چگونگی شکلگیری معماری مزارها». مجله علمی پژوهشی انسان شناسی، سال هفتم، شماره پیاپی ۱۱، صص ۴۰-۶۴.

۱۲. عباس نصرالله، سعدون. (۱۹۸۷). دولة الأدارسة فی المغرب، بیروت: دار النهضة العربية.

۱۳. معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۱). «نحو فضای معماری». صفه، دوره ۱۲، شماره ۳۵، صص ۷۵-۸۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۷۱۵۷>

۱۴. ناصری طاهری، عبدالله. (۱۳۷۵). مقدمه بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.

۱۵. نوروزی قره قشلاق، حسین. (۱۳۹۴). تبیی نمؤلفه های هویت فرهنگی قوم ترکمن. فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۴۲ و ۴۳، ص ۱۳.

۱۶. ورمقانی، حسنا؛ سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۷). «نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل گیری خانه: مقایسه خانه های قاجاری گیلان و بوشهر». فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۳، صص ۱۳۴ - ۱۲۳.

۱۷. هیلن براند، رابرت. (۱۳۹۰). هنر و معماری اسلامی. مترجم: باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ دوم.

1. Abun-Nasr, Jamil (1987). A history of the Maghrib in the Islamic period. Cambridge: Cambridge University Press. ISBN 0521337674.p50-51
2. Ahmed Aref, Eman (2017). The Far Morocco Idrisid Arts and their role in enriching the plaster wall processing in the southwest Saudi Arabian kingdom in the century (14th AH/ 20th AD). The Academic Research Community Publication, Volume:1, Mouth:9, The

- International Conference: Cities' Identity Through Architecture and Arts (CITAA), DOI: 10.21625/archive.v1i1.137.
3. Ahmed Aref, Eman, (2017). The Far Morocco Idrisid Arts and their role in enriching the plaster wall processing in the southwest Saudi Arabian kingdom in the century (14th AH/ 20th AD). The Academic Research Community Publication, Volume: 1, Mouth: 9, The International Conference: Cities' Identity Through Architecture and Arts (CITAA), DOI: 10.21625/archive.v1i1.137.
 4. Ali b. Muhammad. Al-Tamghruti, al-Nafih. al-miskiyya. (1929). Particularly that of Abu I-Hassan. Turkiyya, Relation dune ambassade marocaine en Turquie 1589-1591, H. De Castries, ed. Paris
 5. Almela, Iñigo (2019). Religious Architecture as an Instrument for Urban Renewal: Two Religious Complexes from the Saadian Period in Marrakesh.
 6. Apotsos. Michelle (2016). Architecture Islam and Identity in West Africa: Lessons from Larabanga, Routledge
 7. Askarizad, Reza and Safari, Hossein (2020). Investigating the role of semi-open spaces on the sociability of public libraries using space syntax (Case Studies: Sunrise Mountain and Desert Broom Libraries, Arizona, USA). Ain Shams Engineering Journal. Volume 11, Issue 1, March 2020, pp. 253-264. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2019.09.007>
 8. Bahrami, Beebe (1995). The Persistence of the Andalusian Identity in Rabat, Morocco
 9. Barrucand, Marianne; Bednorz, Achim (2007). Moorish Architecture in Andalusia. Taschen. ISBN 9783822831038.
 10. Bonine, Michael, E (1990). The Sacred Direction And City Structure: A Preliminary Analysis of the Islamic Cities of MOROCC, journal Muqarnas, Vol. 7, pp 50-72.
 11. Bordeaux Parker, Richard (1981). A Practical Guide to Islamic Monuments in Morocco
 12. D. Schlingloff. (1969). Die altindische Stadt. Eine vergleichende Untersuchung. Akademie der Wissenschaften und der Literatur. Abhandlungen. Geistes- und sozialwissenschaftl. Klasse 5, pp 79-141
 13. Dodds, Jerrilynn D. (editor) (1992). Al-Andalus: The art of Islamic Spain. The Metropolitan Museum of Art, New York. ISBN 0870996371.

14. Encyclopædia Britannica (2006). Britannica Concise Encyclopedia. Publisher Encyclopedia Britannica
15. Ennahid, Said and Ross, Eric (2014). Architectural Elements in Islamic Ornamentation: New Vision in Contemporary Islamic Art
16. Ennahid, Said and Ross, Eric (2017). Adding a Layer. Functioning Muslim Shrines at Archaeological Sites in Northwestern Morocco
17. Fentress, Elizabeth. (2017). Idris I and the Berbers In: The Aghlabids and their Neighbors. Leiden
18. Gaudio, Attilio (1982). Fès: Joyau de la civilisation islamique. Paris: Les Presses de l'UNESCO: Nouvelles Éditions Latines. pp. 123-131. ISBN 2723301591.
19. Gehan, Samir Ali Ibrahim (2006). The Role of Architectural Representations in the Context of Islamic Decoration. Phd thesis. SOAS University of London
20. Harrouni, Khalid et al. Kharmichm, H. Lamzah, A (2017). Seismic performance of traditional urban architecture in Morocco. International Journal of Heritage Architecture Studies, Repairs and Maintenance 1(1): 42-59. DOI: 10.2495/HA-V1-N1-42-59
21. Hillenbrand, Robert (1994). Islamic Architecture: Form, Function, and Meaning
22. Hillenbrand, Robert. (2000). Islamic Architecture. Edinburgh: Edinburgh University Press, 267-272.
23. Hillier, Bill (2007) Space Is The Machine, Electronic Edition, and Press Syndicate of The University of Cambridge: Cambridge. www.discovery.ucl.ac.uk
24. Hillier, B. (1985). The Nature of the artificial. Geoforum; Special Issue on the link between the nature and human sciences, (16): 163-178.
25. Haciomeroglu, M., R.G. Laycock and A.M. Day International Conference on Cyber worlds, Hannover, Germany (2007), pp. 152-159. 10.1109/CW.2007.9
26. Ibn Khaldun, Dawood, N. J. (ed.), and Franz Rosenthal (translator). (2004), The Muqaddimah: An Introduction to History. Princeton, NJ: Princeton University Press, ISBN 978-0691120546
27. Kahera. Akel Ismail (2010), Deconstructing the American Mosque: Space, Gender and Aesthetics, University of Texas Press.

28. Kamal Lakhdar "Mulay Isma'il Mausoleum" in Discover Islamic Art, Museum With No Frontiers, 2019.http://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=monument;ISL;ma;Mon01;
29. Kamal Lakhdar, (2019), "Sa'dian tombs" in Discover Islamic Art, Museum With No Frontiers, 2019.http://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=monument;ISL;ma;Mon01;14;en
30. Krautheimer, Richard (2010). Origin of pre-islamic architecture in West-Africa. Journal of Anthropology. Volume 24. 1959- Issue 1-2. Pp 64-69
31. Métalsi, Mohamed (2001). Fès: La ville essentielle. Paris: ACR Édition Internationale. pp. 192–194. ISBN 978-2867701528
32. Mezzine, Mohamed. (2018) "Mulay Idris Mausoleum". Discover Islamic Art, Museum With No Frontiers. Retrieved January 6.
33. Merga, Seyoum(2012). An Archaeological Survey of Islamic Shrines in Jimma Zone, South western Ethiopia . A thesis Submitted to The Department of Archaeology and Heritage Management in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts in Archaeology, ADDIS ABABA UNIVERSITY, SCHOOL OF GRADUATE STUDIES. ADVISOR:TEMESGEN BURKA (PhD).
<http://localhost:80/xmlui/handle/123456789/530>
34. Ochsenwald, William and Sydney Nettleton Fisher (2004) The Middle East: A History. NY: McGraw-Hill, ISBN 978-0072442335.
35. Penn, A., & Turner, A. Space Syntax Based Agent Simulation. In: Schreckenberg, Michael and Sharma, Som Deo, (eds.) Pedestrian and Evacuation Dynamics (2002) 99-114. Springer- Verlag: Berlin, Germany. URL: <http://discovery.ucl.ac.uk/id/eprint/75>.
36. Salmon, Xavier (2016). Marrakech: Splendeurs saadiennes: 1550-1650. Paris: LienArt. pp. 264–272. ISBN 9782359061826.
37. Soltanzadeh. Hossein, (2015). The Role of Climate and Culture on the Formation of Courtyards in Mosques, Space Ontology International Journal, 4 (15) Autumn, pp 19- 28.
38. Stump. Roger W, (2008). The Geography of Religion: Faith, Place and Space, Rowman and Littlefield Publishers.

رضایی و سلطان زاده: بررسی مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی در پیکره‌بندی... ۶۷

39. Touri, Abdelaziz , Boujibar, Naima El-Khatib , Lakhdar, Kamal (2017). Andalusian Morocco: A Discovery in Living Art (Islamic Art in the Mediterranean)
40. Triki, Hamid. (1986). Marrakech. Publisher: Aga Khan Awards.
41. Zweiri, Mahjoob & König, Christoph. (2008). Are Shias rising in the western part of the Arab world? The case of Morocco, The Journal of North African Studies, Vol. 13, No. 4, December, pp 513–529.
42. Barrucand, Marianna. (1989). The case of the Sadi Qasaba of Marrakech. In Environmental Design: Journal of the Islamic Environmental Design Research Center 1-2, edited by Attilo Petruccioli. 18-27. Rome: Carucci Editore
43. Touri, Abdelaziz. Lakhdar, Kamal. (2014). Andalusian Morocco: A Discovery in Living Art (Islamic Art in the Mediterranean). Museum white No Frontiers, MWNF. 2nd Edition
44. Métalsi, Mohamed. Tréal, Cécile. Ruiz, Jean-Michel. (2001). Les villes impériales du Maroc. Publisher: Terrail. ISBN-10; 2879392233
45. Glaire D. Anderson, Corisandle Fenwick and Mariam Rosser-Owen. (2017). The Aghlabids and their Neighbours. ISBN: 978-90-04-35604-7